

اصلاحات پارامتریک برای نجات صندوق‌ها

ناترازی منابع و مصارف، کاهش نسبت پشتیبانی و رشد تعهدات مالی، اصلاحات بیمه‌ای را به آخرین فرصت برای پایداری صندوق‌های بازنشستگی تبدیل کرده است



صندوق‌های بازنشستگی در همه کشورهای جهان بر پایه یک اصل ساده بنا شده‌اند؛ نسل شاغل امروز هزینه مستمری نسل بازنشسته را تأمین می‌کند و در مقابل، انتظار دارد نسل‌های آینده نیز همین مسئولیت را برعهده بگیرند. اما هنگامی که تعادل میان ورودی‌ها و خروجی‌های این چرخه از میان برود، بحران به تدریج خود را نشان می‌دهد. افزایش شمار بازنشستگان، کاهش نسبت بیمه‌پردازان، گسترش بازنشستگی‌های پیش از موعد، تغییرات جمعیتی و برخی قوانین ناکارآمد، در سال‌های اخیر بسیاری از صندوق‌های بازنشستگی را با چالش ناترازی منابع و مصارف مواجه کرده است. وضعیتی که ادامه آن می‌تواند نه تنها آینده صندوق‌ها، بلکه امنیت معیشتی میلیون‌ها بیمه‌شده و مستمری‌بگیر رانیز تحت تأثیر قرار دهد. در چنین شرایطی، کارشناسان از مجموعه‌ای از اصلاحات تدریجی و هدفمند با عنوان «اصلاحات پارامتریک» به عنوان مهم‌ترین راهکار جلوگیری از تشدید بحران یاد می‌کنند؛ اصلاحاتی که هدف آن بازگرداندن تعادل به نظام بیمه‌ای و افزایش پایداری مالی صندوق‌هاست.

ریشه‌های شکل‌گیری ناترازی

چالش‌های امروز صندوق‌های بازنشستگی یک‌شبه ایجاد نشده‌اند. این مشکلات محصول سال‌ها انباشت تصمیمات، قوانین و روندهای اقتصادی و جمعیتی هستند که به تدریج فاصله میان منابع و تعهدات صندوق‌ها را افزایش داده‌اند. کاهش میانگین سن بازنشستگی، توسعه بازنشستگی‌های پیش از موعد، گسترش برخی مقررات خاص بازنشستگی و همچنین محدودیت‌های موجود در نظام بیمه‌پردازی، از جمله عواملی هستند که بر وضعیت مالی صندوق‌ها اثر گذاشته‌اند. برخی مقررات موجود به گونه‌ای طراحی شده‌اند که زمینه خروج زودهنگام نیروی کار از بازار اشتغال را فراهم می‌کنند. در مقابل، بخشی از قوانین نیز امکان گسترش پوشش بیمه‌ای با وصول کامل حق بیمه را محدود می‌سازند. نتیجه این دوروید، کاهش منابع ورودی و افزایش تعهدات خروجی صندوق‌هاست؛ وضعیتی که در نهایت خود را در کاهش ضریب پشتیبانی و تشدید ناترازی مالی نشان می‌دهد.

ضریب پشتیبانی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی

سلامت صندوق‌های بازنشستگی است. این شاخص نسبت تعداد بیمه‌پردازان به مستمری‌بگیران را نشان می‌دهد. هرچه این نسبت کاهش یابد، توان صندوق برای ایفای تعهدات بلندمدت نیز کاهش پیدا می‌کند. در برخی صندوق‌های کشور، این نسبت به سطحی رسیده که فاصله قابل توجهی با استانداردهای مطلوب دارد و همین مسئله نگرانی‌ها درباره پایداری مالی آنها را افزایش داده است. در چنین شرایطی، کارشناسان حوزه بیمه‌های اجتماعی معتقدند ادامه روند فعلی نه تنها امکان بهبود وضعیت صندوق‌ها را فراهم نمی‌کند، بلکه وابستگی آنها به منابع دولتی را نیز افزایش خواهد داد. از همین رو، اصلاحات بیمه‌ای به عنوان راهکاری برای جلوگیری از تعمیق بحران مطرح می‌شود.

اصلاح برای حفظ پایداری

اصلاحات پارامتریک به مجموعه تغییراتی گفته می‌شود که در چارچوب قوانین بیمه‌ای و بازنشستگی انجام می‌گیرند تا تعادل میان منابع و مصارف صندوق‌ها حفظ شود. برخلاف اصلاحات ساختاری که معمولاً تغییرات بنیادین در شیوه اداره یا مالکیت صندوق‌ها را دنبال می‌کنند، اصلاحات پارامتریک بر بازنگری در متغیرهای اصلی نظام بازنشستگی متمرکز است. علی‌جهانی، کارشناس بیمه‌های اجتماعی، معتقد است این نوع اصلاحات یکی از مؤثرترین ابزارهای دستیابی به پایداری مالی در صندوق‌های بازنشستگی محسوب می‌شود. به گفته او، جوامعی که با پدیده سالمندی جمعیت، کاهش نرخ باروری و افزایش امید به زندگی مواجه هستند، ناگزیر باید قواعد بازنشستگی خود را با شرایط جدید تطبیق دهند. در این چارچوب، متغیرهایی مانند سن بازنشستگی، نرخ حق بیمه، نرخ جایگزینی مستمری و شیوه محاسبه تعهدات از جمله مهم‌ترین شاخص‌هایی هستند که مورد بازنگری قرار می‌گیرند. هدف از این تغییرات، ایجاد توازن میان تعهدات آینده و منابع در دسترس است. کارشناسان تأکید می‌کنند که اصلاحات پارامتریک به معنای کاهش حمایت‌های اجتماعی نیست، بلکه تلاشی برای حفظ امکان ارائه همین حمایت‌ها در دهه‌های آینده است. بدون انجام اصلاحات، فشار مالی بر صندوق‌ها به تدریج افزایش یافته و توان آنها برای پرداخت تعهدات جاری و آینده

کاهش خواهد یافت. بازگشت ثبات مالی، کاهش شکاف میان درآمدها و هزینه‌ها و بهبود شاخص‌های بیمه‌ای از مهم‌ترین پیامدهای مورد انتظار این روند است. به همین دلیل، بسیاری از کشورها در مقاطع مختلف و متناسب با شرایط جمعیتی و اقتصادی خود، اصلاحات مشابهی را در نظام بازنشستگی اجرا کرده‌اند.

منافع مشترک ذینفعان

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اصلاحات پارامتریک آن است که منافع آن تنها متوجه صندوق‌ها نیست، بلکه بیمه‌شدگان، بازنشستگان و حتی کارفرمایان نیز از نتایج آن بهره‌مند می‌شوند. برای صندوق‌های بازنشستگی، اصلاحات به معنای کاهش فشار مالی، افزایش پایداری منابع و کاهش وابستگی به کمک‌های دولتی است. هرچه تعادل میان منابع و مصارف بیشتر شود، امکان برنامه‌ریزی بلندمدت و سرمایه‌گذاری پایدار نیز افزایش خواهد یافت. در سوی دیگر، بیمه‌شدگان و بازنشستگان نیز از این وضعیت منتفع می‌شوند. مهم‌ترین دغدغه هر بیمه‌پرداز، اطمینان از دریافت مستمری در آینده است. هنگامی که صندوق‌ها از ثبات مالی برخوردار باشند، امکان ایفای تعهدات آنها در بلندمدت نیز تقویت خواهد شد. همچنین حفظ منابع مالی صندوق‌ها می‌تواند به ارتقای کیفیت خدمات و جلوگیری از کاهش قدرت خرید مستمری‌بگیران کمک کند. اصلاحات پارامتریک از منظر فضای کسب‌کار نیز اهمیت دارد. نرخ حق بیمه یکی از هزینه‌های مهم کارفرمایان محسوب می‌شود. در صورتی که ناترازی صندوق‌ها افزایش یابد، فشار برای تأمین منابع جدید نیز بیشتر خواهد شد. اما اصلاحاتی که بر افزایش تدریجی سن بازنشستگی و اصلاح برخی پارامترهای بیمه‌ای متمرکز باشد، می‌تواند نیاز به افزایش نرخ حق بیمه را کاهش دهد. از سوی دیگر، افزایش تدریجی سن بازنشستگی به معنای حضور طولانی‌تر نیروی کار در بازار اشتغال است؛ موضوعی که می‌تواند از خروج زودهنگام نیروهای دارای تجربه جلوگیری کرده و هزینه‌های جایگزینی و آموزش نیروی انسانی را کاهش دهد. در همین زمینه، جهانی تأکید می‌کند که افزایش سن بازنشستگی باید به صورت تدریجی و متناسب با شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور انجام شود. به گفته او، افزایش دوره بیمه‌پردازی و تقویت منابع صندوق‌ها از

مهم‌ترین نتایج این رویکرد خواهد بود.

اصلاح مقررات مربوط به بازنشستگی‌های سخت و زیان‌آور نیز از دیگر محورهای مطرح در این حوزه است. بازنگری در این مقررات می‌تواند ضمن کاهش فشار مالی بر صندوق‌ها، بخشی از هزینه‌های تحمیل‌شده به کارفرمایان رانیز کاهش دهد.

نقش دولت در فرایند اصلاح

اجرای موفق اصلاحات پارامتریک بدون همراهی دولت امکان‌پذیر نیست. دولت به عنوان سیاست‌گذار و ناظر، نقش تعیین‌کننده‌ای در فراهم کردن بسترهای قانونی و اجرایی این فرایند دارد. یکی از مهم‌ترین وظایف دولت، کمک به تأمین کسری‌های انباشته صندوق‌ها از محل منابع پایدار است. بسیاری از صندوق‌ها در شرایطی قرار دارند که بدون حمایت‌های مالی، امکان عبور از وضعیت فعلی را نخواهند داشت. در کنار این موضوع، ایجاد چارچوب‌های قانونی مناسب برای اجرای تدریجی اصلاحات نیز ضروری است. اصلاح بازار کار و فراهم کردن زمینه اشتغال نیروهای مسن‌تر، از دیگر حوزه‌هایی است که می‌تواند به موفقیت این فرایند کمک کند. افزایش سن بازنشستگی زمانی اثربخش خواهد بود که بازار کار نیز ظرفیت جذب و نگهداری نیروی کار در سنین بالاتر را داشته باشد. ترنس اکبرپور روشن، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، معتقد است اصلاحات پارامتریک ابزاری برای تطبیق مداوم نظام بازنشستگی با شرایط متغیر اقتصادی و اجتماعی است. به گفته او، در شرایطی که مسائل معیشتی و تورم در اولویت جامعه قرار دارند، هرگونه اصلاح باید با شیب ملایم و با در نظر گرفتن توان تحمل جامعه اجرا شود. او تأکید می‌کند که موفقیت اصلاحات نیازمند اجماع و همکاری نهادهای مختلف است و دولت در این میان نقشی محوری برعهده دارد. ایجاد شفافیت، اطلاع‌رسانی دقیق و جلب اعتماد افکار عمومی از جمله اقداماتی است که می‌تواند زمینه اجرای موفق اصلاحات را فراهم کند.

فرستی که محدود شد

کارشناسان معتقدند بهترین زمان اجرای اصلاحات پارامتریک، سال‌ها پیش از بروز بحران‌های جدی مالی و بیمه‌ای است. هرچه اصلاحات زودتر آغاز شوند، امکان توزیع هزینه‌ها در طول زمان بیشتر خواهد بود و فشار کمتری به ذینفعان وارد می‌شود. با این حال، حتی امروز نیز انجام اصلاحات از تعویق بیشتر آن کم‌هزینه‌تر است. تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد که آثار اصلاحات بازنشستگی معمولاً در کوتاه‌مدت ظاهر نمی‌شوند و نتایج آنها طی یک یا دو دهه آشکار می‌شود. به همین دلیل، تأخیر در تصمیم‌گیری می‌تواند مشکلات بزرگ‌تری را به نسل‌های آینده منتقل کند. ادامه روند فعلی این خطر را به همراه دارد که نسل‌های آینده با صندوق‌هایی مواجه شوند که توان ایفای کامل تعهدات خود را ندارند. در مقابل، اجرای برنامه‌ای تدریجی، شفاف و مبتنی بر حفظ حقوق مکسبیه بیمه‌شدگان می‌تواند مسیر اصلاح را هموار کند. قانون‌گذاری متناسب با تحولات جمعیتی، حفظ حقوق بیمه‌شدگان فعلی، ارائه گزارش‌های شفاف از وضعیت صندوق‌ها و طراحی بسته‌های حمایتی و جبرانی از جمله اقداماتی است که می‌تواند اجرای اصلاحات را تسهیل کند. در نهایت، آنچه امروز بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد، پذیرش این واقعیت است که بحران صندوق‌های بازنشستگی با گذشت زمان از بین نخواهد رفت. اصلاحات پارامتریک شاید راهی دشوار و زمان‌بر باشد، اما در شرایطی که صندوق‌های بازنشستگی با فشارهای فزاینده مالی روبه‌رو هستند، همچنان مهم‌ترین ابزار برای حفظ پایداری بیمه‌های اجتماعی، تأمین عدالت بین نسلی و صیانت از معیشت میلیون‌ها بیمه‌شده و بازنشسته به شمار می‌رود.

یادداشت
O P I N I O N



حجت آراین

کارشناس بیمه‌های اجتماعی

نقش آفرینی تازه صندوق‌های بازنشستگی

در روزگار فشارهای تورمی، تحریم، ناترازی و رکود، نخستین دغدغه هر سیاست‌گذار عاقل، حفظ اشتغال و جلوگیری از لغزش نیروی کار به ورطه بیکاری است. اما در میانه این تلاطم، یک ظرفیت کمتر دیده‌شده می‌تواند به یاری اقتصاد بیاید: صندوق‌های بازنشستگی. این نهادها تنها صندوق پرداخت مستمری نیستند؛ اگر با نگاه راهبردی به آنها نگریسته شود، می‌توانند به یکی از تکیه‌گاه‌های ثبات اقتصادی و اجتماعی بدل شوند. تجربه بسیاری از کشورها نشان داده است که بیمه‌های اجتماعی، هنگامی که منابع خود را به‌سوی سرمایه‌گذاری‌های مولد هدایت می‌کنند، در دوره‌های بحران نه فقط پشتیبان معیشت بازنشستگان، که بخشی از موتور محرک تولید، اشتغال و بازسازی اعتماد در اقتصاد می‌شوند.

در دهه‌های اخیر، نگاه جهانی به صندوق‌های بازنشستگی دگرگون شده است. این صندوق‌ها دیگر صرفاً نهادهایی برای اداره تعهدات جاری تلقی نمی‌شوند، بلکه به عنوان بازیگرانی بلندمدت در پروژه‌های زیربنایی و توسعه‌ای مورد توجه قرار گرفته‌اند. در بسیاری از کشورهای اروپایی، اصلاحات مالی بازنشستگی به سمت الگوهای مبتنی بر سرمایه‌گذاری کامل حرکت کرده و همین تغییر زاویه، افق تازه‌ای پیش روی اقتصادهای گرفتار رکود گشوده است. در شرایطی که بانک‌ها به دلیل افزایش ریسک، از اعطای تسهیلات عقب می‌نشینند، صندوق‌های بازنشستگی به سبب ماهیت بلندمدت تعهدات خود، امکان ایفای نقشی تثبیت‌کننده دارند. این مزیت، به‌ویژه برای بنگاه‌های کوچک و بخش خصوصی که در بحران‌ها آسیب‌پذیرترند، اهمیتی دوچندان می‌یابد؛ زیرا حمایت از این بنگاه‌ها، در نهایت به حفظ اشتغال، تداوم بیمه‌پردازی و پایداری خود صندوق‌ها منجر می‌شود.

از همین منظر، ورود هدفمند صندوق‌های بازنشستگی به اقتصاد واقعی، نه یک انتخاب تجملی، بلکه ضرورتی برای صیانت از ارزش منابع بیمه‌شدگان است. در اقتصادی که تورم، ارزش دارایی‌ها را می‌فرساید، اتکا به دریافت حق بیمه به تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی تعهدات بلندمدت باشد. سرمایه‌گذاری در تولید، کسب‌کار و حتی سهامداری حرفه‌ای، می‌تواند هم فرصت شغلی بیافریند، هم تقاضا برای بیمه‌پردازی را افزایش دهد و هم از کاهش ارزش واقعی دارایی‌ها جلوگیری کند. دولت نیز در این میان باید نقش تسهیل‌گر خود را ایفا کند: از تضمین حداقل سودآوری و طراحی نهادهای تخصصی سرمایه‌گذاری گرفته تا حمایت‌های مالیاتی و حقوقی برای هدایت منابع صندوق‌ها به سمت فعالیت‌های مولد و کم‌ریسک.

با این همه، کامیابی این مسیر در گرو توجه به اصلی تعیین‌کننده است: نقدشوندگی. صندوق‌های بازنشستگی نمی‌توانند منابع خود را به گونه‌ای درگیر سرمایه‌گذاری کنند که پرداخت به‌موقع مستمری‌ها، هزینه‌های درمان و دیگر تعهدات کوتاه‌مدتشان با اختلال روبه‌رو شود. سیاست‌گذاری سنجیده آن است که میان سودآوری بلندمدت و ایفای منظم تعهدات روزمره توازن برقرار کند.

بیمه رایگان برای زنان روستا

دولت حق بیمه زنان روستایی دارای ۳ فرزند و زنان سرپرست خانوار را پرداخت می‌کند تا امنیت معیشتی این گروه تقویت شود

چتر حمایتی گسترده

صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر که از سال ۱۳۸۴ فعالیت خود را آغاز کرده، اکنون بیش از سه میلیون و ۵۰۰ هزار بیمه‌شده را تحت پوشش دارد و حدود ۲۴۰ هزار مستمری‌بگیر نیز از خدمات بلندمدت آن بهره‌مند هستند. زنان سهم قابل توجهی از جامعه تحت پوشش این صندوق را تشکیل می‌دهند؛ به گونه‌ای که بیش از ۴۱ درصد بیمه‌شدگان و حدود ۶۰۰ هزار نفر از افراد تحت پوشش آن را زنان تشکیل می‌دهند.

در سال‌های اخیر، حمایت از زنان ساکن مناطق روستایی و عشایری به یکی از محورهای مهم سیاست‌های رفاهی کشور تبدیل شده است. در این میان، صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر با اجرای طرح‌های ویژه برای زنان غیرشاغل و زنان سرپرست خانوار، تلاش کرده است دامنه امنیت اجتماعی را در دورترین نقاط کشور گسترش دهد؛ اقدامی که علاوه بر حمایت از خانواده، به تقویت عدالت اجتماعی و کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی زنان نیز کمک می‌کند.